

بررسی تأثیر عضویت در سازمان تجارت جهانی بر بخش کشاورزی ایران (با رویکرد سری‌های زمانی)

جوادخلیل زاده^۱

عضو هیئت علمی دانشگاه آزاداسلامی واحد هادیشهر -
دانشجوی دکترای پردیس دانشگاه ارومیه

حسن حیدری^۲

عضو هیئت علمی دانشگاه ارومیه

حمیدرضا فعالجو^۳

عضو هیئت علمی دانشگاه ارومیه

سیدجمال‌الدین محسنی زونوزی^۴

عضو هیئت علمی دانشگاه ارومیه

تاریخ پذیرش ۹۳/۲/۱۰

تاریخ دریافت ۹۲/۱۰/۲۱

چکیده

عضویت در سازمان تجارت جهانی به‌رغم فوائد مطلوب آن بر اقتصاد کشورها، می‌تواند اثرات ناخواسته نامطلوبی را نیز در بر داشته باشد. کشورهایی که برای استقبال از این پدیده، مطالعات کافی را انجام داده‌اند، می‌توانند عوارض نامطلوب آن را تا حد امکان کاهش داده و از مزایای آن به بهترین شکل ممکن بهره‌مند شوند. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر آزادسازی تجاری بر تورم بخش کشاورزی ایران انجام شده است. برای نیل به این هدف یک مدل اقتصادی معرفی شده که در آن نرخ تورم بخش کشاورزی بعنوان متغیر وابسته و متغیرهای میزان نقدینگی یا اعتبارات تخصیص یافته توسط بانک‌ها به این بخش، میزان تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی، شاخص جهانی شدن یا شاخص ادغام جهانی و میانگین موزون قیمت

۱- javad.khalilzadeh@gmail.com

۲- heidari.hasan@gmail.com

۳- h.faljoui@urmia.ac.ir

۴- sj.m.zonouzi@urmia.ac.ir

نهادهای بخش کشاورزی بعنوان متغیرهای توضیحی مدل می‌باشند و سپس آزمون‌های مربوطه انجام شده است. به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل روابط میان متغیرها از داده‌های سری‌های زمانی سالانه ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۱ با کمک نرم‌افزار «میکروفیت» و روش «همگرایی یوهانسون» استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون‌های «یوهانسون جوسیلیوس» وجود رابطه همجمعی بلندمدت میان متغیرهای مدل را تأیید کرده و وجود دو بردار همجمعی را مورد تأکید قرار داد. همچنین در این مطالعه به منظور بررسی موضوع شکست ساختاری و نیز بررسی پایداری ضرایب برآورد شده در مدل از آزمون «مجموع انباشت پسماندهای برگشتی» استفاده گردیده است که نتایج حاصل از این آزمون نیز حکایت از پایداری ضرایب برآوردی داشته است. نهایتاً با تجزیه واریانس مشخص گردید شاخص آزادسازی تجاری یا همان عضویت در سازمان تجارت جهانی بر روی متغیر وابسته مدل تاثیر مثبت دارد.

کلید واژه‌ها: سازمان تجارت جهانی، بخش کشاورزی، تورم.

طبقه بندی JEL: Q۱۷, F۶۲, E۳۱

مقدمه

امروزه گرچه عضویت کشورهای در سازمان تجارت جهانی^۱ تقریباً مترادف با آزادسازی - تجاری است. اما این عضویت به‌رغم فوایدی که می‌تواند بر اقتصاد هر کشوری داشته‌باشد، بدون هزینه هم نخواهد بود؛ لذا لازم است هر کشوری قبل از عضویت در این سازمان کلیه ابعاد آن را مورد بررسی و مطالعه قرار داده سپس نسبت به عضویت در آن تصمیم‌گیری نماید تا تبعات منفی عضویت را به حداقل ممکن برساند. آنچه از شواهد پیداست در آینده‌ی نه چندان دور، حجم غالب تجارت دنیا در انحصار اعضای این سازمان خواهد بود و کشورهای غیر عضو بخودی‌خود در انزوا قرار گرفته و هزینه‌های ناعادلانه‌ای را فقط به دلیل عدم عضویت در این سازمان خواهند پرداخت. لازم به ذکر است که هر کشوری در هنگام عضویت ناگزیر به پذیرفتن برخی تبعات منفی آن هم خواهد گردید. آنچه مورد توجه این تحقیق می‌باشد اینست که بر اساس یک سنت دیرینه کشورهای مختلف جهان، عموماً بخش کشاورزی خود را به روش‌های مختلفی تحت حمایت خاص خود قرار داده‌اند. کشورهای واردکننده کالاهای کشاورزی با اعمال تعرفه‌های گمرکی و

۱- World Trade Organization

محدود کردن واردات، بخش کشاورزی را از رقابت با کالاهای جایگزین وارداتی مصون و در مقابل، کشورهای بزرگ صادر کننده این کالاها نیز با پرداخت یارانه‌های صادراتی، بخش کشاورزی خود را در بازارهای جهانی فعال نگه داشته‌اند (Salami, 2000). خلاصه کلام اینکه هر کشور مستقل غیرعضو سازمان تجارت جهانی مانند ایران نیز در عرصه اقتصاد جهانی چه تقاضای عضویت در سازمان تجارت جهانی را بنماید چه نه، بهر حال از تبعات این عضویت مصون نخواهد ماند، ولی می‌تواند این اثرات منفی و نامطلوب را با مطالعه و بررسی دقیق به حداقل ممکن کاهش داده و در صورت تمایل به عضویت، پروتکل الحاقی را به گونه‌ای تنظیم نماید که تمامی مزایای در نظر گرفته شده برای کشورهای در حال توسعه را شامل گردد. حال این سوال مطرح می‌گردد که در صورت تقاضای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی و یا به عبارتی آزادسازی تجاری و لغو حمایت‌های دولت از بخش کشاورزی و حذف یارانه‌های پرداختی به این بخش چه تاثیری بر سطح عمومی قیمت‌ها داشته و در عرصه رقابت با محصولات مشابه خارجی با چه چالشی مواجه خواهد بود. با بررسی وضعیت سه کشور ترکیه، پاکستان و قرقیزستان در زمینه آزادسازی تجاری که قبلاً اقدام به اینکار نموده‌اند، در می‌یابیم که فقط عضویت در سازمان تجارت جهانی به معنی آزادسازی و برخوردار شدن از فواید این سازمان نبوده و هر کشور به تناسب استعدادها و پتانسیل‌های خود می‌تواند از مزایای این امر بهره‌مند شود. در این خصوص (منافع و مضرات حاصل از جهانی شدن) نظرات متفاوتی مطرح است. مجادله اولیه «یونیدو» آن است که فرایند جهانی شدن یک بازی مجموع صفر نیست، بلکه از پتانسیلی برخوردار است که می‌تواند فرایند صنعتی شدن را در کشورهای در حال توسعه و در حال انتقال، تسریع نموده به همین نحو، سود قابل توجهی را برای کشورهای بوجود آورد. اما به واقعیت رسانیدن این پتانسیل‌ها نیازمند مدیریتی کارآ، هم در سطح بین‌المللی و هم در سطح ملی است تا هزینه‌های اجتماعی سیاست‌ها را به حداقل برساند (Assaf, 1998:19). حال سؤال این است که در چنین شرایطی چه کشورهایی می‌توانند از روند آزادسازی تجاری و یا جهانی شدن اقتصاد بهره‌مند گردند. اگر در دهه‌های گذشته کشورهای در حال توسعه برای رهایی از آثار عقب ماندگی و پیوستن به جریان پویای توسعه اقتصادی به منابع و عوامل داخلی متکی بودند، امروزه با توجه به شدت و پیچیدگی تحولات و همچنین بر اساس تجربیات کشورها و نظریات جدید اقتصاد توسعه، مشخص شده است که توسعه اقتصادی دیگر یک مقوله داخلی نیست و هیچ کشوری نمی‌تواند به صرف اتکا به منابع و نیروهای داخلی

به توسعه دست یابد (Komijani, 2001).

بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه از سوئی به لحاظ توانمندی‌ها و ظرفیت‌های قابل توجهی که در تامین مواد غذایی مردم و نیز تهیه مواد اولیه برخی صنایع دارد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این موضوع موجب تقویت پیوند بخش کشاورزی با سایر بخش‌های اقتصادی می‌گردد که اقتصاد ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. سهم کشاورزی در اشتغال، تولید ناخالص ملی و صادرات و همچنین تغییرات آن در جریان توسعه اقتصادی، منعکس کننده درجه وابستگی اقتصاد کشور به کشاورزی و موقعیت کنونی کشاورزی است (Nasiri, 2003). از آنجا که ایران کشوری وسیع از نظر جغرافیایی بوده و دارای آب و هوایی متنوع می‌باشد، بخش کشاورزی آن از گستردگی فراوانی برخوردار است و این اعتقاد وجود دارد که بخش کشاورزی، از توانایی قابل توجهی در عرضه به بازارهای جهانی برخوردار است (Koopahi, 2011).

امروزه بخش کشاورزی در کشورهای مختلف از حمایت‌های مستقیم و غیرمستقیم دولتی مختلفی نظیر حمایت‌های یارانه‌ای و تعرفه‌ای برخوردار می‌باشد، ولی پس از آزادسازی تجاری و عضویت در سازمان تجارت جهانی دیگر هیچ کشور و دولتی به جهت رقابتی شدن تولید و تجارت مجاز به حمایت از هیچ یک از بخشهای اقتصادی خود نبوده و مجبور به حذف تمامی کمکهای - خود از جمله از بخش کشاورزی خواهد شد، لذا ضرورت انجام این تحقیق از این منظر قابل توجه است که پس از حذف این نوع حمایت‌ها که منجر به ایجاد قیمت‌های تصنعی در بازار نیز شده - است، آیا تورم در بخش کشاورزی را تحت تاثیر قرار خواهد داد یا خیر؟ و در صورت متاثر شدن، این تاثیر در جهت کاهش خواهد بود یا افزایش؟ و همچنین آیا این تاثیر قدرت رقابت محصولات تولید داخل با محصولات مشابه وارداتی را تقویت خواهد کرد یا نه؟ همچنین این مطالعه با هدف - کلی شناخت آثار آزادسازی تجاری بر روی بخش کشاورزی در ایران و هدف ویژه بررسی آثار آزادسازی تجاری بر تورم در بخش کشاورزی است.

با توجه به سوال اساسی تحقیق، فرضیه بصورت زیر طرح شده است که « آزادسازی تجاری بر تورم بخش کشاورزی تاثیر دارد».

لازم به توضیح اینکه تاکنون مطالعات زیادی در خصوص آزادسازی تجاری و تاثیر آن بر بخش‌ها و زیربخش‌های مختلف اقتصاد کشورمان از جمله تاثیر آزادسازی بر اشتغال در بخش کشاورزی، تاثیر آزادسازی بر بهره‌وری نیروی کار، تاثیر آزادسازی بر سهم صادرات و واردات

بخش کشاورزی ایران، بررسی اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت آزادسازی تجاری بر تابع واردات گندم ایران، و نیز مطالعات متعدد دیگر در رابطه با این موضوع صورت گرفته ولی مطالعه‌ای که مشخصاً تاثیر آزادسازی تجاری یا عضویت در سازمان تجارت جهانی را بر روی تورم بخش کشاورزی ایران نشان دهد دیده نشده، لذا با چنین اندیشه‌ای در این مطالعه سعی شده‌است که اثر آزادسازی تجاری بر تورم در بخش کشاورزی ایران مورد مطالعه قرار گیرد.

مروری بر مبانی نظری

آزادسازی تجاری در سطح بین‌المللی پدیده‌ای است که از طریق تقسیم بین‌المللی کار و تخصص بین کشورها می‌تواند زمینه رشد و توسعه اقتصادی آنها را فراهم آورد. تاکنون در زمینه آزادی تجارت بین‌الملل نظریات مختلفی مطرح شده‌است که همگی در صدد پیدا کردن مبنای برقراری جهت و چگونگی بهره‌گیری کشورها از تجارت بین‌الملل است. پایه نظریه‌های تجارت بین‌الملل از برخورد نظریه‌های اقتصادی به وجود آمده که در قرون گذشته مطرح بوده‌است. از مهم‌ترین این نظریه‌ها می‌توان عقاید مرکانتیلیست‌ها (سوداگران یا زراندوزان)، نظرات آدم اسمیت و دیوید ریکاردو علمای اقتصادی مکتب کلاسیک را نام برد (Mohtasham dolat, 2006). نظریه سوداگران که از قرن سیزدهم تا اواسط قرن هجدهم در کشورهای، مانند بریتانیا، اسپانیا، فرانسه و هلند به دنبال رونق یافتن کسب و کار تجار اروپایی رواج یافت، نخست بر کسب طلا و نقره از هر مسیر ممکن، دوم افزایش ثروت و قدرت دولت مرکزی و سوم مداخله مستقیم دولت در امور اقتصادی و کنترل آن تأکید داشت، سوداگران معتقد بودند که مهمترین راه برای آنکه کشوری ثروتمند و قدرتمند شود آن است که صادراتش بیش از وارداتش باشد و در نتیجه مابه‌التفاوت با دریافت یک فلز قیمتی مانند طلا تسویه گردد. در این رابطه، قدرتمندتر شدن هر کشور را بر مبنای داشتن طلای بیشتر می‌دانستند. از این رو، سوداگران از این عقیده حمایت می‌کردند که دولت باید صادرات را تشویق و واردات را محدود کند (Pazhouyan et al., 2004). نظریه سوداگران امروزه مردود است، زیرا واقعیت‌های تجارت بین‌المللی نشان می‌دهد که هیچ کشوری نمی‌تواند صرفاً صادرکننده باشد و واردات را تا حد بسیار محدود کند. امروزه حتی بزرگترین قدرت‌های اقتصادی جهان نیز قادر به محدود کردن واردات نیستند. به گفته کریستینا سویلا، دستیار نماینده تجاری آمریکا در امور میان‌دولتی و روابط عمومی وزارت

امور خارجه آمریکا، حتی ایالات متحده که در قرن بیستم یکی از بزرگترین قدرتهای اقتصادی جهان بوده نیز قادر به محدود کردن واردات نیست و لذا امریکا بزرگترین اقتصاد جهانی و بزرگترین صادر کننده و وارد کننده به شمار می‌رود. بنابراین، نظریه سوداگران درجهان امروزی نمی‌تواند زیربنای مناسبی برای تجارت بین‌الملل باشد.

آدام اسمیت فروض مکتب سوداگران را زیر سؤال برد. او عقیده داشت که تجارت آزاد بین کشورها باعث تقسیم کار شده، عوامل تولید کشورها بر تولید کالایی متمرکز خواهد شد که آن کالا در مقایسه با کالای سایر کشورها ارزانتر تولید می‌شود در این صورت است که هر دو کشور از تجارت سود می‌برند. او استدلال نمود که از طریق تجارت آزاد هر کشور می‌تواند در تولید کالایی تخصص پیدا کند که در آنها دارای مزیت مطلق است. این نظریه نیز نمی‌تواند با توجه به واقعیت‌های موجود اقتصاد جهانی کارایی چندانی داشته باشد، زیرا فقط اقتصادهایی را می‌تواند پوشش دهد که مزیت مطلق داشته باشند، حال آنکه در جهان معاصر تنها تعداد اندکی از کشورها دارای مزیت مطلق در زمینه‌های خاص هستند. بعدها نظریه مزیت نسبی ریکاردو مطرح شد. ریکاردو عقیده داشت که حتی اگر کشوری در تولید دو کالا نسبت به کشور دیگری مزیت مطلق داشته باشد، تجارت مزیت‌دار متقابل هنوز می‌تواند انجام شود در این صورت کشوری که در تولید یک کالا دارای مزیت مطلق بیشتری است (مزیت نسبی) باید به تولید و صدور آن کالا پردازد، در حالی که کشور دیگر که مزیت مطلق بیشتری در تولید کالای دوم دارد، باید به تولید و صدور کالای دوم اشتغال یابد. اصل مزیت نسبی بحث برانگیزترین مقوله در علم اقتصاد است. به نظر می‌رسد نظریه مزیت نسبی ریکاردو با واقعیت‌های جهان امروز همخوانی زیادی داشته باشد. امروزه در میان کشورهای جهان کمتر کشوری یافت می‌شود که از مزیت نسبی در تجارت برخوردار نباشد و غالب کشورهای جهان با توجه به وضعیت و شرایط اقلیمی، جغرافیایی، نیروی انسانی و فرهنگ و تمدن گذشته خود حداقل در مواردی نسبت به سایر کشورها از مزیت نسبی برخوردارند که این نظریه از باورهای اساسی معتقدان به آزادسازی تجاری و تشکیل سازمان تجارت جهانی بوده است. آزادسازی تجاری فرآیندی طولانی است که از موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) در سال ۱۹۴۷ آغاز و تاکنون با سرعت‌های متفاوتی توسعه یافته است. به

قول برخی، آزادسازی تجاری در گات مثل دوچرخه‌ای بود که دولت‌ها یا باید پدال آن را فشار می‌دادند و یا از آن پیاده می‌شدند؛ در حالی که مذاکرات پس از دور اروگوئه در سازمان جهانی تجارت به مثابه اتوبوسی است با تعداد زیادی راننده که هیچ کس نمی‌داند این اتوبوس به کجا می‌رود. در حالی که کشورهای توسعه یافته مایلند هدف سازمان جهانی تجارت را صرفاً آزادسازی تجاری قلمداد کنند، اما کشورهای در حال توسعه معتقدند که هدف کلیدی این سازمان توسعه است (Steger, 2007: 10). یکی از انتقادات منتقدان ماهیت وجودی و هدف اصلی سازمان جهانی تجارت است. آیا هدف اساسی سازمان در جهان معاصر واقعاً آزادسازی تجاری است یا توسعه؟ اگر هدف اصلی آزادسازی تجاری باشد، در این صورت توجه بیش از حد به نیازهای کشورهای کمتر توسعه یافته و یا در حال توسعه در روند گذار به جامعه کاملاً آزاد تجاری در سطح جهانی توجیه پذیر نیست و این به نفع قدرت‌های بزرگ اقتصادی است و در صورت عکس یعنی زیربنا بودن توسعه و تقدم آن بر آزادسازی می‌تواند زمینه‌ساز تمهیدات فراوان برای پاسخ به نیازهای کشورهای فقیر و در حال توسعه باشد.

پیشینه تجربی تحقیق

(Mohammadi et al., 2006: 12) اثر آزادسازی تجاری بر تولید، تقاضا، صادرات و واردات محصولات گندم و پسته را در ایران بررسی و مشاهده کردند که تاثیر آزادسازی تجاری بر عرضه داخلی گندم و پسته و صادرات پسته مثبت بوده؛ این در حالی است که بر تقاضای داخلی این محصولات و واردات گندم اثر منفی دارد.

(Tayyebi et al., 2007: 24)، با استفاده از الگوی تقاضای AIDS^۱ ساختار تقاضای واردات ایران را طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۸۱ مورد بررسی قرار داده که نتایج این بررسی حکایت از آن داشت که هرگاه شدت سیاست‌های آزادسازی تجاری بر روی کالاهای وارداتی افزایش یابد کاهش سهم فروش‌های داخلی به نفع سهم واردات خواهد بود.

(Esmaili et al., 2008: 2) در تحقیقی اثر جهانی شدن اقتصاد را بر ارزش افزوده بخش کشاورزی بررسی کرده که نتایج این مطالعه نشان داد اقتصاد کشاورزی ایران در بر هم کنش مثبت

۱- Almost Ideal Demand System

با اقتصاد جهانی بوده است؛ لذا این بخش از اقتصاد ایران از فرآیند جهانی اثر مثبت می‌پذیرد. (Tayyebnia et al., ۲۰۰۹: ۳۸) طی مطالعه‌ای اثرات فرآیند جهانی شدن بر تورم در ایران را مورد بررسی قرار داده‌است. ایشان در این مطالعه با استفاده از یک الگوی (VAR)، اثر پذیری تورم در ایران از فرآیند جهانی شدن را به کمک داده‌های فصلی دوره ۱۳۶۷ تا ۱۳۸۴ مورد آزمون قرار داده و از متغیرهای شاخص رونق اقتصادی (تفاوت بین تولید ناخالص داخلی و تقریبی از میزان تولید در اشتغال کامل مستخرج از فیلتر هدریک-پرسکات)، شاخص آزادسازی تجاری (نسبت مجموع واردات و صادرات اسمی به تولید ناخالص داخلی اسمی) و قیمت نسبی کالاهای وارداتی بعنوان متغیرهای توضیحی استفاده و همچنین در خصوص عدم لحاظ متغیرهای پولی در مدل اظهار داشتند که الگوی مورد استفاده ایشان بر اساس مبانی نظری در چارچوب کلی الگوی منحنی فیلپس طراحی شده و در این چارچوب چنانچه متغیرهای پولی، تورم انتظاری را متأثر کند مستقیماً بر تورم اثر گذار بوده و چنانچه در تورم انتظاری دیده نشوند باعث ایجاد شکاف بین تورم واقعی و تورم انتظاری شده به نوبه‌ی خود به شکاف تولید منجر می‌شود. از اینرو معتقدند که الگوی بکار رفته بطور ضمنی اثر متغیرهای پولی بر تورم را نیز نشان می‌دهد. نتایج این پژوهش نشان داد که اولاً هر چه اقتصاد ایران بازتر باشد، انتظار می‌رود اثرپذیری تورم از ادوار تجاری داخلی کمتر شده و تورم نوسانات کمتری داشته باشد. ثانیاً افزایش قیمت نسبی کالاهای وارداتی همانند شوک عرضه در اقتصاد عمل کرده و تورم را افزایش می‌دهد. ثالثاً رونق و رکود شرکای تجاری ایران، از طریق تجارت به ایران نیز منتقل شده و تورم داخلی را متأثر می‌سازد.

(Lotfali pour et al., ۲۰۰۹: ۲۳)، طی مطالعه‌ای به بررسی اثر آزادسازی تجاری و تاثیرات آن بر بخش کشاورزی ایران در خلال سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۴۶ پرداخته‌است. ایشان در این راستا بر اساس تئوری‌های اقتصادی، مدل‌های صادرات، واردات، عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی را تشکیل و آنها را به روش الگوی خود توضیح برداری (VAR) تخمین زده‌اند. همچنین به منظور تعیین میزان تاثیر هر یک از متغیرهای الگوها از روش تجزیه واریانس استفاده نموده‌اند. ایشان در چهار مدل مذکور از متغیرهای نرخ ارز، نسبت قیمت صادراتی محصولات کشاورزی به قیمت جهانی این محصولات، میزان تولید ناخالص داخلی، میزان تولید داخلی بخش کشاورزی، میزان تعرفه، نسبت قیمت واردات جهانی محصولات کشاورزی به قیمت واردات محصولات کشاورزی به ایران و نهایتاً شاخص ادغام جهانی (IIT) بعنوان شاخص آزادسازی تجاری استفاده

نموده‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد شوک حاصل از آزادسازی تجاری علی‌رغم تاثیر مثبت ناچیز بر تقاضای محصولات کشاورزی، تاثیر چشمگیری بر عرضه محصولات کشاورزی دارد.

همچنین نتایج این مطالعه حکایت از آن دارد که شاخص آزادسازی تجاری تاثیر معنی‌داری بر واردات محصولات کشاورزی نداشته، ولی صادرات محصولات کشاورزی تابع شاخص آزادسازی می‌باشند که این امر به دلیل سهم بالای نقش دولت در بخش واردات محصولات کشاورزی و عدم تبعیت واردات کشاورزی از متغیرهای اقتصادی می‌باشد.

همانطور که در مقدمه نیز ذکر شد مطالعات عدیده‌ای در خصوص بررسی تاثیر آزادسازی تجاری بر بخش‌های مختلف اقتصادی کشورمان صورت گرفته ولی تاکنون مطالعه‌ای که مشخصاً تاثیر آزادسازی تجاری را بر روی تورم بخش کشاورزی ایران نشان دهد صورت نگرفته و خلاء آن احساس می‌شود؛ لذا در تکمیل مطالعات گذشته و نیز ارائه اطلاعات و پیشنهادهای برای رجال سیاسی و دولتمردان کشور در این خصوص که پس از عضویت کامل کشورمان در سازمان تجارت جهانی بخش کشاورزی ایران با چه چالش‌هایی مواجه خواهد بود این مطالعه صورت گرفته تا مسئولین سیاسی و اقتصادی کشورمان بتوانند با علم به جمیع جهات، در این زمینه تمهیدات و اقداماتی اتخاذ نمایند که عوارض نامطلوب ناشی از پیوستن کشور به قافله تجارت بدون تعرفه و حمایت با کشورهای دیگر این سازمان (سازمان تجارت جهانی) که عمدتاً کشورهای ثروتمند و صنعتی می‌باشند را به حداقل برسانند.

از مطالعات خارجی صورت گرفته در این زمینه نیز می‌توان به مطالعات زیر اشاره نمود:

(Schulze et al., ۱۹۹۹:۲۲) در مقاله خود اظهار داشت که نتایج مطالعات انجام شده در خصوص اثر جهانی شدن توسط گرت^۱، کوساک^۲، سوانک^۳ و رودریک^۴ ۱۹۹۸ بیانگر آن است که شاخص‌های متفاوتی برای نشان دادن اثر جهانی شدن مدنظر است و

- ۱- Garet
- ۲- Cosac
- ۳- Sovank
- ۴- Rodric

اختلاف زیادی در شاخص های انتخاب شده وجود دارد.

(Martin, ۱۹۹۹) با بررسی آزادسازی واردات ناشی از جهانی شدن، پیش‌بینی کرد که آزادسازی تجاری موجب کاهش اشتغال تا ۰/۴ الی ۰/۵ درصد می‌گردد.

(Winters et al., ۲۰۱۴) در مطالعه‌ای بر این باور است که با وجود شرایط یکسان از نظر آزادسازی، تفاوت در رشد اقتصادی و سطح تجارت میان کشورها بیشتر به دلیل تفاوت در میزان حضور عامل‌های دیگر چون سیاست‌های حمایتی (جبرانی و مکمل) به منظور کاهش اثرات منفی آزادسازی در کنار آثار مثبت آزادسازی بوده است.

(Siggel, ۲۰۰۷) در مقاله‌ای تحت عنوان رقابت‌پذیری بین‌المللی و مزیت رقابتی، برای اندازه‌گیری مفهوم رقابت‌پذیری یا مزیت رقابتی به اشکال مختلف تعبیر و تفسیر شده تداخل یافته و مدعی شده است که هرچند بی‌تردید منشأ مفهوم مزیت رقابتی، مدل تجارت ریکاردو است، در عین حال وقتی به فراتر از مدل کلاسیکی نظریه تجارت و به ویژه در بعد اندازه‌گیری تعمیم پیدا می‌کند، تفاسیر مختلفی از آن به عمل می‌آید.

مدل تحقیق:

تا کنون مدل استاندارد می‌تواند تاثیر عضویت در سازمان تجارت جهانی بر تورم بخش-کشاورزی را نشان دهد ملاحظه نشده است، با این وجود بر اساس تئوری های اقتصادی و با الهام از مدل های طیب‌نیا و زندیه (۲۰۰۹) و لطفعلی‌پور و همکاران (۲۰۰۹) در این تحقیق مدلی بصورت زیر تعریف شده است:

$$LPAG_t = \beta_1 LQA_t + \beta_2 LGDPA_t + \beta_3 IIT_t + \beta_4 LCA_t + \beta_5 DU_{vt} + \varepsilon_t \quad (1)$$

که در این مدل $(LPAG_t)$ بیانگر لگاریتم نرخ تورم بخش کشاورزی، (LQA_t) لگاریتم میزان نقدینگی یا اعتبارات تخصیص یافته توسط بانکها به این بخش (به میلیارد ریال)، $(LGDPA_t)$ لگاریتم میزان تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی (به میلیارد ریال)، (IIT_t) شاخص جهانی شدن یا شاخص ادغام جهانی (به درصد)، (LCA_t) لگاریتم میانگین موزون قیمت نهاده‌های بخش کشاورزی (به ریال)، (DU_{vt}) متغیر مجازی برای بررسی اثرات سیاست تعدیل اقتصادی دولت سازندگی، و نهایتاً (ε_t) جمله اخلال.

همانطور که ملاحظه شد در این مطالعه برای بررسی تاثیر آزادسازی تجاری بر تورم در بخش-

کشاورزی ایران از شاخص ادغام تجارت بین‌المللی^۱ (IIT) که ادغام جهانی^۲ یک صنعت یا بخش را اندازه‌گیری می‌نماید، (Pirayeh, ۲۰۰۴:۳۲) استفاده شده‌است. این معیار در واقع همان شاخص استاندارد (Grubeol & Loyd, ۱۹۷۵) بوده و به شرح زیر محاسبه می‌گردد (Assaf, ۱۹۹۸:۱۹).

$$IIT = 1 - \left[\frac{|(X_t - M_t)|}{(X_t + M_t)} \right] \quad (۲)$$

در رابطه فوق، (IIT) در واقع نشان‌دهندهٔ تجارت درون یک صنعت یا بخش موردنظر است، X_t میزان صادرات و M_t نیز میزان واردات صنعت یا بخش موردنظر می‌باشد. شاخص (IIT) بین صفر و یک قرار دارد. صفر، نشان دهنده عدم صادرات یا واردات (انزوای تجاری) و مقدار یک، بیانگر تجارت درون‌بخشی کامل می‌باشد (صادرات برابر واردات). شاخص (IIT) دارای خصوصیات ویژه‌ای می‌باشد که از آن، یک شاخص قابل‌اتکا ساخته است. در واقع محققان دریافته‌اند که (IIT) بسیار مناسب برای فهم آزادسازی تجاری در یک صنعت است.

روش تحقیق

نوع مطالعه در این تحقیق از نوع کاربردی بوده و از روش خودتوضیح‌برداری (VAR)^۳ و هم-جمعی یوهانسون برای تخمین تابع استفاده گردیده‌است. این روش امروزه یکی از روش‌های بررسی و تعیین رابطه تعادلی بلندمدت بین چند متغیر اقتصادی سری‌زمانی بوده که در این مطالعه نیز برآورد بردارهای هم‌جمعی بین متغیرها با استفاده از ضرایب الگوی خودتوضیح‌برداری صورت گرفته‌است. روش بکار رفته برای جمع‌آوری داده‌ها از نوع کتابخانه‌ای و اسنادی و جمع‌آوری آمار و داده‌ها از طریق گزارشات بانک مرکزی، سالنامه آماری کشور، سالنامه آماری-گمرک، گزارشات مجلات اقتصادی سازمان‌مدیریت و برنامه‌ریزی و وزارت بازرگانی و سالنامه آماری وزارت جهاد کشاورزی و مرکز آمار ایران و نیز با استفاده از برخی اطلاعات موجود در

۱- Integration of International Trade

۲- Global integration

۳- Vector Autoregressive Model

در گاه‌های آماری که می‌توانستند در این تحقیق مضمثر باشند، صورت گرفته‌است. دوره زمانی - مورد مطالعه در این تحقیق محدوده زمانی بین سال‌های ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۹۱ هجری شمسی بوده و محدوده جغرافیایی مورد مطالعه نیز کشور ایران می‌باشد. همانطور که گفته شد روش اقتصادسنجی بکار رفته در این تحقیق روش الگوی خود توضیح برداری و همجمعی (روش یوهانسون) بوده و محاسبات و تجزیه و تحلیل‌ها نیز با کمک نرم‌افزار «میکروفیت»^۱ صورت گرفته است.

بسیاری از متغیرهای سری‌های زمانی اقتصادی که در عالم واقع با آنها سرکار داریم ناپایا هستند. بنابراین وقتی این متغیرها در الگویی مورد استفاده قرار می‌گیرند لازم است ابتدا با انجام آزمون، مرتبه جمعی بودن متغیرها را مشخص کنیم. البته لزومی ندارد که تمام متغیرهای الگو جمعی از مرتبه یکسانی باشند (مگر وقتی که $k=2$ باشد) تا از بروز رگرسیون کاذب اجتناب شود. این امکان وجود دارد که وقتی متغیرهای الگو مجموعه‌ای از متغیرهای $I(0)$ ، $I(1)$ ، $I(2)$ هستند ترکیب خطی آنها $I(0)$ باشد و در نتیجه همجمعی حاصل شود (Noferesti, ۱۹۹۹). از طرفی می‌دانیم که بکارگیری روش‌های سنتی و معمول در اقتصادسنجی در برآورد ضرایب الگو با استفاده از داده‌های سری زمانی بر این فرض استوار است که متغیرها پایا^۲ هستند. وجود متغیرهای ناپایا در الگو سبب می‌شود تا آزمون‌های F و t معمول از اعتبار لازم برخوردار نباشند و منجر به رگرسیون‌های کاذب شوند، لذا لازم است در برخورد با سری‌های زمانی ابتدا متغیرها را از نظر ایستایی مورد آزمون قرارداد و پایایی آنها را بررسی و سپس به تخمین و برآورد ضرایب پرداخت. از مشکلات دیگر که در سری‌های زمانی با آن مواجه هستیم انتخاب تعداد وقفه بهینه می‌باشد. اگر تعداد وقفه بیش از اندازه کم باشد پسماندهای رگرسیون دارای رفتاری شبیه یک فرایند نوفه سفید نخواهند بود. در این حالت چون مدل توانائی توضیح فرآیند واقعی خطا را ندارد انحراف معیار آن نیز بخوبی برآورد نخواهد شد. وارد کردن وقفه‌های بیش از اندازه در مدل نیز از قدرت آزمون وجود ریشه واحد خواهد کاست زیرا افزایش تعداد وقفه‌ها به معنای تخمین پارامترهای اضافی در مدل و

۱- Microfit

۲- Stationary

لذا کاهش درجه آزادی آن است (Sadeghi & Shavvalpour, ۲۰۱۰). برای تعیین درجه بهینه (VAR) معمولاً از آماره های آکائیک (AIC)، شوارزیزین (SBC) و (LL) استفاده می شود.

یافته های تحقیق

در مطالعه حاضر از آماره «دیکی فولر تعمیم یافته» (ADF)^۱ برای آزمون پایداری داده ها استفاده شده است. نتایج بدست آمده از این آزمون حاکی از آن است که در مورد تمامی متغیرها، فرضیه صفر مبنی بر وجود ریشه واحد در سطح متغیرها را نمی توان رد کرد. یکی از معروف ترین راه حل های تبدیل متغیرهای ناپایا به پایا استفاده از لگاریتم متغیرها بجای خود متغیرها و روش تفاضل گیری می باشد و از طرفی چون روش یوهانسون که در این تحقیق مورد استفاده قرار خواهد گرفت برای متغیرهای $I(0)$ و $I(1)$ طراحی شده است (هر چند وجود متغیرهای $I(2)$ بین متغیرهای الگو، امکان بدست آوردن یک رابطه پایا را نفی نمی کند)، (۱۶) لذا تمامی متغیرهای ناپایا توسط آماره دیکی فولر تعمیم یافته برای تفاضل مرتبه اول نیز مورد آزمون واقع شده که نتایج حاصله در جدول (۱) منعکس گردیده است.

جدول ۱- آزمون ریشه واحد دیکی - فولر تعمیم یافته - با یکبار تفاضل گیری

آماره متغیر	آمار محاسبه شده	آماره ADF در سطح ٪۵	تعداد وقفه بهینه براساس معیار شوارزیزین	درجه همگرایی
LPAG _t	-۳/۲۴۷۱	-۲/۳۷۴۲	۲	I(۱)
LQA _t	-۴/۷۷۵۴	-۲/۳۷۴۲	۱	I(۱)
LGDPA _t	-۴/۹۷۶۴	-۲/۳۷۴۲	۱	I(۰)
IIT _t	-۵/۴۶۲۸	-۲/۳۷۴۲	۱	I(۰)
LCA _t	-۴/۷۶۳۹	-۲/۳۷۴۲	۱	I(۱)

ماخذ: یافته های تحقیق

با توجه به نتایج بدست آمده از آزمون های دیکی فولر تعمیم یافته که در جدول (۱) آمده است ملاحظه می گردد که کلیه متغیرها بطور کلی یا در سطح، پایا بوده و یا حداکثر با یکبار تفاضل

۱- Augmented dickey-fuller

گیری پایا گردیده‌اند، لذا با اطمینان از عدم بروز رگرسیون کاذب می‌توان از روش بلندمدت یوهانسون جهت برآورد مدل استفاده نمود.

برای تعیین درجه بهینه (VAR) معمولاً از آماره های آکائیک (AIC)، شوارزیزین (SBC) و (LL) استفاده می‌شود که در این تحقیق براساس معیار شوارزیزین تعداد وقفه‌های بهینه برای مدل، عدد ۱ بدست آمده‌است.

برای تعیین مرتبه ماتریس مدل از دو آماره λ_{Max} و λ_{trace} استفاده گردیده و نتایج حاصل از آزمون‌های مذکور در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲- نتایج آزمون مرتبه ماتریس به کمک آماره‌های آزمون حداکثر مقدار ویژه و آزمون اثر

H۰	H۱	حالت ۱	حالت ۲	حالت ۳	حالت ۴	حالت ۵
λ_{max} $r=0$	$r=1$	۴۰/۳۴۲۹	۴۱/۶۴۹۶	۴۳/۶۵۹۲	۴۱/۳۴۰۹	۴۴/۸۲۹۵
$r=1$	$r=2$	۳۵/۹۸۴۵	۳۱/۹۸۲۳	۳۷/۹۰۸۲	۳۳/۶۲۴۹	۳۴/۲۳۰۹
$r=2$	$r=3$	*۲۸/۶۰۹۵	۲۵/۴۵۶۶	*۲۶/۴۵۷۱	*۲۳/۵۶۹۳	۲۹/۸۷۲۲
$r=3$	$r=4$	۲۱/۳۴۸۹	*۱۸/۶۵۸۳	۱۱/۸۲۹۴	۱۴/۴۶۵۹	*۱۹/۴۷۲۴
λ_{trace} $r=0$	$r=1$	۶۰/۳۴۷۲	۶۵/۶۵۹۲	۶۹/۷۷۳۱	۶۱/۶۵۹۳	۷۲/۵۴۲۹
$r=1$	$r=2$	۴۴/۳۹۵۴	۴۹/۴۳۷۷	۵۶/۲۹۸۴	۴۲/۴۱۰۵	۴۹/۴۶۳۲
$r=2$	$r=3$	۳۴/۵۶۳۹	*۳۲/۲۳۷۴	۱۹/۶۴۸۲	*۳۹/۹۲۵۲	۳۸/۴۸۶۱
$r=3$	$r=4$	*۱۶/۳۸۵۴	۱۵/۵۴۹۳	*۸/۵۸۴۹	۱۷/۴۸۷۲	*۱۲/۴۱۹۱
$r=4$	$r=5$	۵/۵۳۷۲	۳/۴۵۹۴	۴/۲۹۸۷۲	۳/۵۵۱۷	۲/۱۶۵۴۷
(**) مقادیر کوچکتر از مقادیر بحرانی در سطح معنی‌داری ۵٪						ماخذ: یافته‌های تحقیق

همانطور که از نتایج به دست آمده در جدول (۲) مشخص است برای حالت اول، یعنی حالت بدون عرض از مبداء و روند، آماره λ_{Max} دو بردار و λ_{trace} وجود سه بردار، را در سطح معنی داری ۵٪ نشان می‌دهد. همچنین برای حالت دوم یعنی حالت با عرض از مبداء مقید و بدون روند زمانی آماره λ_{Max} وجود سه بردار و λ_{trace} وجود دو بردار، برای حالت سوم یعنی حالت با عرض از مبداء نامقید و بدون روند زمانی آماره λ_{Max} وجود دو بردار و λ_{trace} وجود سه بردار و برای حالت چهارم یعنی حالت‌های با عرض از مبداء نامقید و روند زمانی مقید هر دو آماره λ_{Max} و

λ_{trace} وجود دو بردار و حالت پنجم با عرض از مبدأ نامقید و روند زمانی نامقید هر دو آماره حداکثر مقدار ویژه و آماره اثر، متفقاً وجود سه بردار همگرایی را نشان می‌دهد. در این مدل بر اساس (پیشنهاد یوهانسون و تئوری‌های اقتصادی) و نیز وضعیت مدل، بردار دوم از حالت چهارم یعنی حالت با عرض از مبدأ نامقید و روند زمانی مقید مناسب‌ترین بردار هم‌انباشتگی بوده و بهتر از سایر حالت‌ها وضعیت مدل را تفسیر می‌نماید.

جدول ۳- بردارهای همجمعی مدل

نام متغیر	بردار ۲	بردار ۱
(LPAG _t) میزان تورم در بخش کشاورزی	-۰.۰۷۹۵۴۸۲ (-۱.۰۰۰۰)	-۰.۰۴۹۳۷۱ (-۱.۰۰۰۰)
(LQA _t) (اعتبارات بانکی) در بخش کشاورزی	.۴۶۸۲۱E-۲ (.۰۵۸۸۵۹)	-۰.۵۹۳۷E-۳ (-۰.۱۲۰۹۸)
(LGDPA _t) میزان تولیدات بخش کشاورزی	-۰.۰۰۱۷۶۹۳۴ (-۰.۰۲۲۲۴۲۳)	.۰۰۳۹۴۱۸۳ (.۰۷۹۸۴۰۹)
(IIT _t) شاخص آزادسازی تجاری	.۰۰۵۴۹۲۷ (.۰۶۹۰۴۸۷)	-۱.۹۲۶۲۹۴ (-۳۹.۰۱۶۷۱)
(LCA _t) میانگین موزون قیمت نهاده‌ها	.۰۰۹۷۵۸۶۳ (.۱۲۲۶۷۵)	.۰۳۵۹۷۵۲ (.۷۲۸۶۷۰۶)
Trend	.۰۹۵۲۴۷۱ (۱.۱۹۷۳)	-۰.۰۹۷۳۵۴۲ (۱.۹۷۱۸۹)
ماخذ: یافته‌های تحقیق		

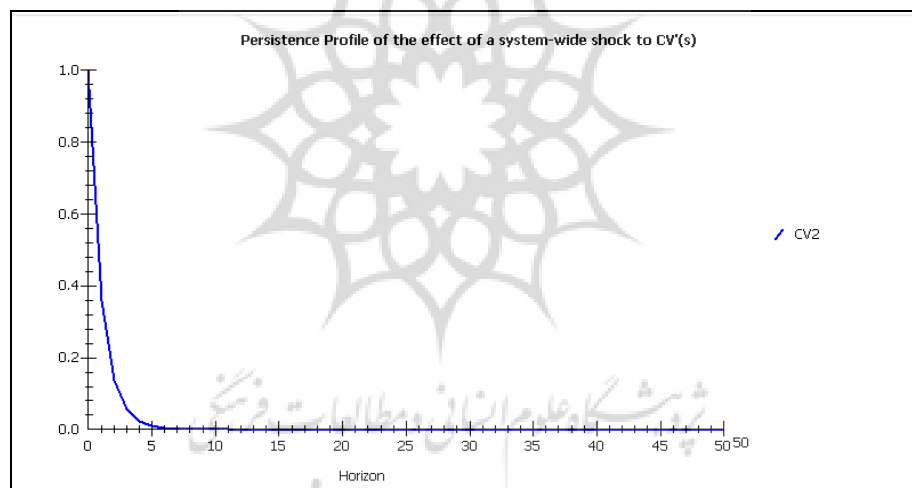
در روش یوهانسون پس از آنکه مشخص شد چند رابطه تعادلی بلندمدت و یا به عبارت دیگر چند بردار همجمعی وجود دارد لازم است تعیین کنیم که آیا این بردارها منحصر به فرد هستند یا نه، و اگر هستند در ارتباط با روابط اقتصادی ساختاری بلندمدت چه مفهومی را بیان می‌کند. لازم به ذکر است که بردارهای همگرایی بدست آمده به این روش صرفاً یکسری روابط آماری هستند که معیار انتخاب هر کدام از آنها تئوری‌ها و توجیهات اقتصادی می‌باشد.

همان طور که از نتایج بدست آمده در جدول (۳) مشاهده می‌گردد ضرایب بردار دوم تقریباً تاثیر متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته مدل را بر اساس تئوری‌های اقتصادی بهتر از بردار اول

تفسیر می‌نماید. ضرایب بردار دوم نشان می‌دهد که یک درصد افزایش در تولید ناخالص داخلی در بخش کشاورزی منجر به ۲ درصد کاهش تورم در این بخش گردیده و یک درصد افزایش در اعتبارات بانکی پرداخت شده به این بخش افزایشی ۶ درصدی در تورم این بخش بدنبال داشته و نهایتاً افزایش یک درصد شاخص آزادسازی تجاری که محور اصلی این تحقیق نیز می‌باشد میزان تورم در این بخش را باندازه ۷ درصد افزایش و بر فرضیه تحقیق مبنی بر موثر بودن آزادسازی تجاری بر تورم در بخش کشاورزی ایران صحه می‌گذارد. این درحالی است که ضریب متغیر میانگین موزون قیمت نهاده‌های بخش کشاورزی در سطح ۵ درصد معنی دار نشده است که می‌تواند بدلیل حمایت‌های یارانه‌ای دولت از این بخش در تامین نهاده های مذکور باشد.

بررسی اثر تکانه های وسیع بر بردار هم انباشتگی

در این قسمت از تحقیق به بررسی تاثیر تکانه‌های وسیع بر بردار هم‌انباشتگی می‌پردازیم که نتایج حاصله بصورت نموداری در شکل (۱) آمده است. همانطور که در شکل مذکور ملاحظه می‌گردد بردار هم‌انباشتگی مورد نظر گرایش به سمت تعادل در بلندمدت دارد.

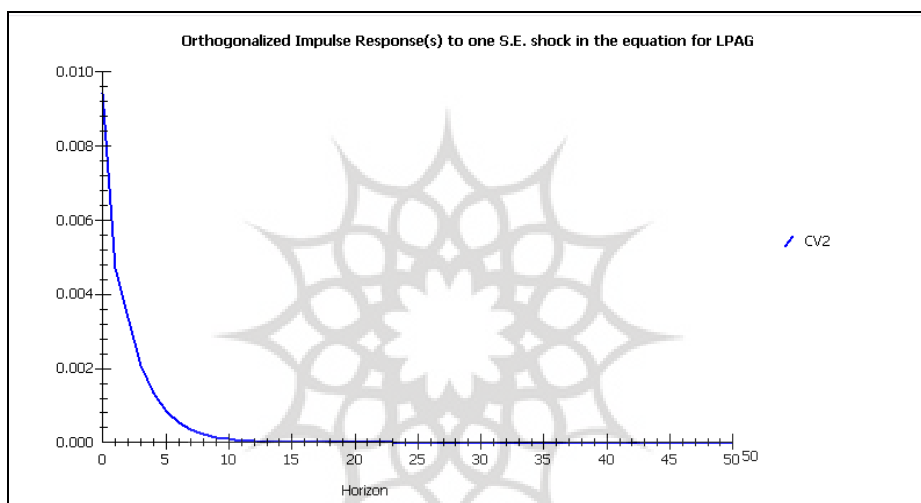


شکل ۱- اثر تکانه وسیع بر بردار هم انباشتگی

ماخذ: یافته‌های تحقیق

بررسی اثر شوک شناور شدن نرخ ارز بر بردار هم انباشتگی

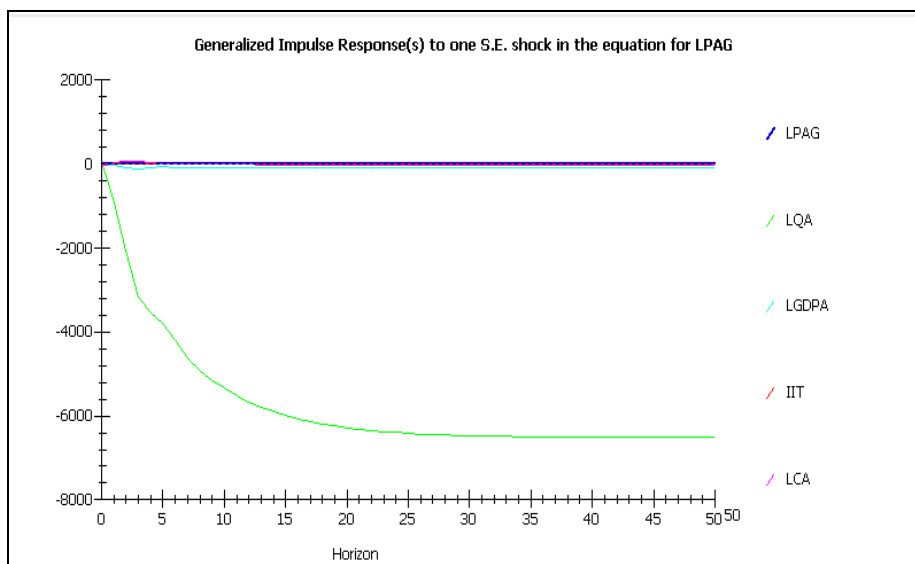
در سال ۱۳۷۲ در مسیر اجرای سیاست‌های تعدیل اقتصادی، دولت وقت اقدام به شناور نمودن نرخ ارز نمود که این موضوع شوک شدیدی را بر قیمت کالاهای وارداتی بطور اخص و بر تجارت بین‌الملل بطور اعم وارد نمود که دامنه تاثیرات آن بر تمامی بخش‌های اقتصادی کشور نیز تسری پیدا نمود که بی شک بخش کشاورزی نیز از این امر بی‌بهره نبوده است، لذا در این قسمت از تحقیق سعی نموده‌ایم اثرات این شوک اقتصادی را هم بر روی بردار هم‌انباشتگی و نیز بر روی تک‌تک متغیرهای مدل بررسی نماییم که همانطور که در شکل (۲) و (۳) نشان داده شده‌است اثر شوک وارده بر بردار هم انباشتگی مورد نظر در طول زمان گرایش به زایل شدن داشته و تقریباً پس از ده دوره (سال) تقریباً به صفر می‌رسد.



شکل ۲- اثر شوک شناور شدن نرخ ارز بر بردار هم انباشتگی

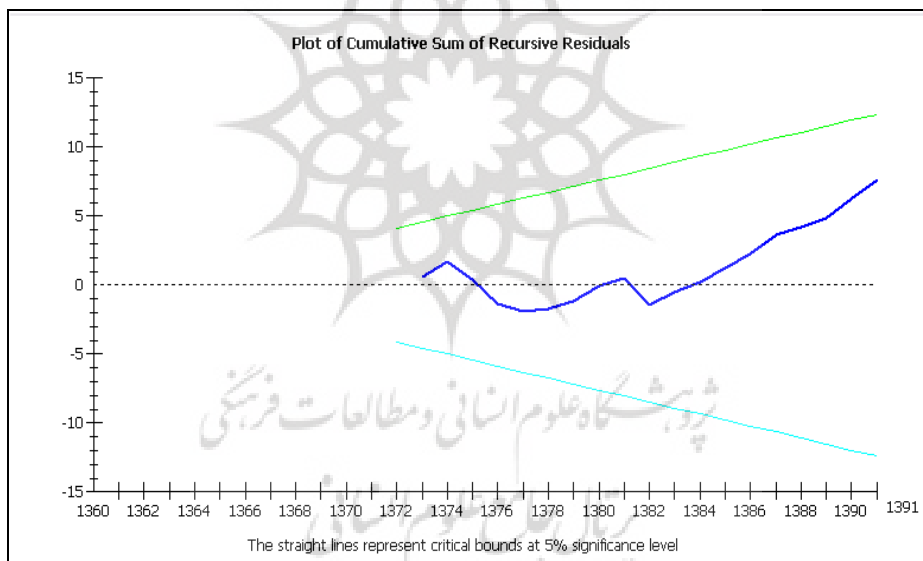
بررسی وجود شکست ساختاری و پایداری ضرایب در مدل

در این تحقیق پایداری ضرایب برآورد شده مدل با آزمون مجموع انباشت پسماندهای برگشتی مورد آزمون قرار گرفته و نتایج حاصله در شکل (۴) نشان داده شده‌است. نتایج بدست آمده از این آزمون نشان از پایداری ضرایب برآوردی داشته و بعلت قرار گرفتن نمودار در داخل فاصله اطمینان ۹۵٪ فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود شکست ساختاری در مدل پذیرفته می‌شود.



شکل ۳- اثر شوک شناور شدن نرخ ارز بر متغیرهای مدل

ماخذ: یافته‌های تحقیق

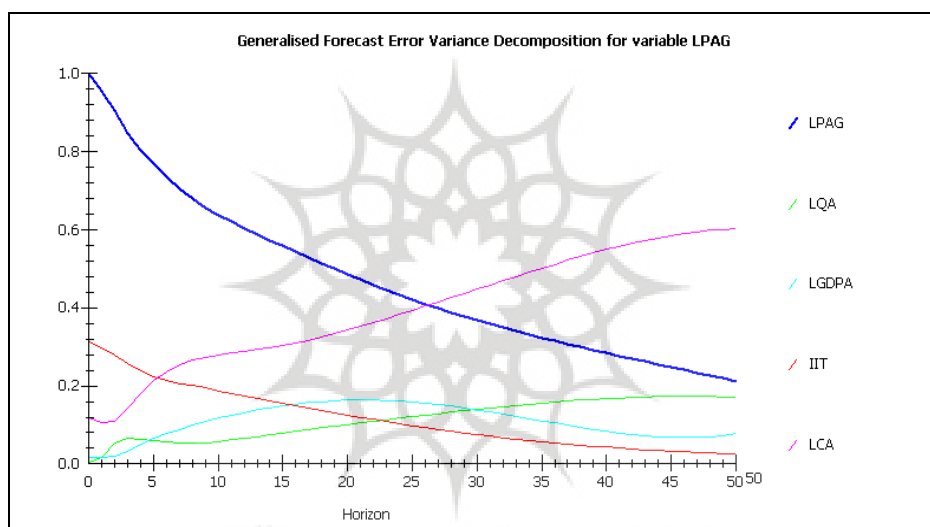


شکل ۴- آزمون پایداری ضرایب

ماخذ: یافته‌های تحقیق

تجزیه واریانس

معمولاً برای بررسی سهم بی‌ثباتی متغیرها در توجیه نوسانات یک متغیر خاص از تجزیه واریانس استفاده می‌شود (Tashkini, ۲۰۰۵). با استفاده از روش تجزیه واریانس سهم نوسان‌های هر متغیر نسبت به شوک‌های برونزای مدل مشخص می‌گردد. در این تحقیق نیز با استفاده از روش تجزیه واریانس سهم نوسانات هر متغیر نسبت به شوک‌های برونزای مدل مشخص گردیده است. نتایج بدست آمده از این بررسی توسط نرم‌افزار میکروفیت در شکل (۵) آورده شده و نشانگر این مطلب می‌باشد که تورم در بخش کشاورزی روی هم رفته با مسیر رشد تولید ناخالص داخلی در این بخش و همچنین با شاخص آزادسازی تجاری توصیف شده ولی نقش متغیرهای اعتبارات بانکی تخصیص یافته و میانگین موزون قیمت نهاده‌های مصرفی در این بخش در مقایسه با سایر متغیرها کم‌رنگتر است.



شکل ۵- نمودار تجزیه واریانس

ماخذ: یافته‌های تحقیق

بررسی روابط کوتاه مدت

الگوی تصحیح خطا (ECM)^۱

وجود همجمعی بین مجموعه‌ای از متغیرهای اقتصادی مبنای آماری استفاده از الگوهای تصحیح خطا را فراهم می‌آورد. در سیستم همجمع، آزمون‌های (ECM) بر اساس الگوی تصحیح خطا می‌باشند. نظریه نمونه گرنجر می‌گوید که یک نمونه تصحیح خطا برای هر رابطه همجمع وجود دارد (Ghorbani et al., ۲۰۱۰). این الگوها در کارهای تجربی از شهرت فزاینده‌ای برخوردار بوده و عمده‌ترین دلیل شهرت الگوهای تصحیح خطا (ECM) آن است که نوسانات کوتاه‌مدت متغیرها را به مقادیر تعادلی بلندمدت آنها ارتباط داده و ساختار پویایی کوتاه‌مدت و سرعت تعدیل به سمت بلندمدت را نشان می‌دهد (Nofaresti, ۱۹۹۹). این مدل‌ها در واقع نوعی از مدل‌های تعدیل جزئی‌اند که در آنها با وارد کردن پسماند پایا در یک رابطه بلندمدت، نیروهای مؤثر در کوتاه‌مدت و سرعت نزدیک شدن به مقدار تعادلی بلندمدت اندازه‌گیری می‌شود. بدین منظور در این پژوهش نیز پس از برآورد رابطه بلندمدت میان متغیرها، الگوی تصحیح خطا نیز برآورد شده است. نتایج بدست آمده از این برآورد نشان داد که ضریب جمله تصحیح خطای بردار دوم در سطح نزدیک به ۹۵٪ معنی‌دار بوده و مقدار آن تقریباً $(-۰/۲۷)$ می‌باشد که این بدین معناست که حدود ۲۷ درصد عدم تعادل متغیر تورم بخش کشاورزی از مقادیر تعادلی بلندمدت خود پس از گذشت یک دوره از بین می‌رود.

جمع بندی:

برای استفاده از سری‌های زمانی که اغلب بمنظور پیش‌بینی رفتار یک متغیر بر اساس مقادیر گذشته آن متغیر صورت می‌گیرد می‌بایست متغیرهای مورد بررسی پایا باشند چرا که در صورت ناپایا بودن متغیرها ممکن است بارگرسون کاذب مواجه شده و به نتیجه‌گیریهای غلطی دست یافت. بدین جهت لگاریتم کلیه متغیرهای مورد استفاده در مدل از نظر ایستایی بکمک نرم‌افزار میکروفیت مورد آزمون قرار گرفته که پس از حصول اطمینان از ایستاد بودن تعدادی از آنها و ایستا

^۱- Error Correction Model

شدن تعدادی دیگر با یکبار تفاضل گیری به آزمون وجود روابط تعادلی بلندمدت بین متغیرهای الگو با استفاده از روش یوهانسون پرداخته شده و تعداد بردارهای همگرایی پس از تعیین وقفه بهینه مدل برای حالت‌های مختلف مشخص شده است. در این مطالعه به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل روابط میان متغیرها از داده‌های سری زمانی ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۱ استفاده گردیده و متغیرهای اسمی به قیمت سال پایه ۱۳۶۱ تعدیل شدند.

نتایج حاصله از آزمون‌های یوهانسون-جوسیلیوس وجود رابطه همجمعی بلندمدت میان متغیرهای مدل را تأیید و وجود دو بردار همجمعی را نشان داد. همچنین در مدل، ضریب آزادسازی تجاری با مقدار مثبت ۰/۰۷، و میزان اعتبارات تخصیصی به این بخش با مقدار مثبت ۰/۰۶، و تولید ناخالص داخلی با مقدار منفی ۰/۰۲، بر روی تورم در بخش کشاورزی تأثیر داشته و متغیر میانگین موزون قیمت نهاده‌ها از نظری آماری در سطح ۵ درصد معنی دار نبوده است.

همچنین با برآورد مدل تصحیح خطا، ضریب جمله تصحیح خطا (ECM) حدود (۰/۲۷-) بدست آمد که نشان می‌دهد در هر دوره از عدم تعادل تورم در بخش کشاورزی در یک دوره نسبت به دوره قبل تعدیل می‌شود.

همچنین به منظور بررسی موضوع شکست ساختاری در مدل و نیز بررسی پایداری ضرایب برآورد شده مدل از آزمون مجموع انباشت پسماندهای برگشتی استفاده گردید که نتایج حاصل از این آزمون در مدل نشان از پایداری ضرایب برآوردی داشته و به علت قرار گرفتن در فاصله اطمینان ۹۵٪ شکست ساختاری در مدل مردود گردید. و نهایتاً اینکه با برآورد مدل و انجام تجزیه واریانس مشخص گردید که شاخص آزادسازی تجاری بر روی متغیر وابسته در مدل بیشترین تأثیر را دارد.

پیشنهادها

تأثیر مثبت متغیر آزادسازی تجاری بر روی تورم بخش کشاورزی کشورمان نگران کننده بوده، ولی با توجه به ضریب دو متغیر دیگر تأثیر گذار یعنی متغیر میزان اعتبارات و متغیر تولید ناخالص داخلی که به ترتیب اولی با تأثیر مثبت و دومی با تأثیر منفی بر روی متغیر وابسته اثر گذار بوده، دولت می‌تواند اولاً با کنترل نقدینگی در این بخش و ثانیاً با اجرای سیاست‌های حمایتی از این بخش در جهت تبدیل کشاورزی سنتی و نیمه مکانیزه کم بازده کشور به کشاورزی مدرن و

مکانیزه، پتانسیل تولید را در واحد سطح تولید افزایش و با افزایش راندمان تولید، دستیابی به رشد بالای اقتصادی در این بخش را ممکن ساخته و با افزایش تولید ناخالص داخلی این بخش تاثیر شاخص آزادسازی تجاری را بر روی تورم در این بخش در سالهای اولیه آزادسازی تجاری به حداقل ممکن کاهش دهد چرا که پس از عضویت کامل کشور در این سازمان امکان هر گونه حمایت دولت از این بخش غیر ممکن خواهد شد.

references

- ۱- Assaf , G.(۱۹۹۸). Globalization and industrial development. Implication for development countries and international cooperation among, Journal of economic Cooperation among Islamic countries, ۱۹:۱-۲.
- ۲- Esmaili, A & Rahmati, D.(۲۰۰۸). The effect of trade liberalization on agriculture, Journal of economic and agriculture, ۲:۱۱۹-۱۲۸(in Persian).
- ۳- Ghorbani, M, Hayat gheibi, F & Shahhosein dastjerdi, S. (۲۰۱۰). Unit roots, Co-integration and structural change, ۱, Mashhad, Ferdowsi university of Mashhad publications (in Persian).
- ۴- Grubeol , H. G, & Loyd P. J. (۱۹۷۵). Intra industry trade: The products, NewYork. John Wiley.
- ۵- Komijani, A. (۲۰۰۲). Agricultural market access provisions of the agreement on tariffs and trade and its effects on Iranian agricultural economics, ۱, Tehran, Tehran university, Faculty of economics(in Persian).
- ۶- Koopahi, M. (۲۰۱۱). Introduction to agricultural economics, ۱۳, Tehran, Tehran university publications (in Persian).
- ۷- Lotfalipoor, M, Azinfar, Y & Dadras moghaddam, A, ۲۰۰۹, The effects of agricultural trade liberalization and its shocks on Iran agricultural sector, Journal of agricultural economics and development, ۲۳, ۲ :۷۳-۸۶(in Persian).
- ۸- Martin, R. (۱۹۹۹). The label market and trade reform in manufacturing, in The effect of protectionism on small country, The case of Uruguay, (ed.) Micheal Connolly & Oimede Melo, World Bank.
- ۹- Mohammadi, H & Nagshineh Fard, M. (۲۰۰۶). Effects of trade liberalization on the supply, demand, imports and exports of wheat and pistachio in Iran, Journal of agricultural science, ۱۲: ۲۷-۳۳(in Persian).
- ۱۰- Mohtasham dolatshahi, T. (۲۰۰۶). International economics, international trade

- & international finance, ۹, Tehran, Pashutan publications (in Persian).
- ۱۱- Nasiri, P. (۲۰۰۳). Long and short term effects of macro economic variables on the agricultural sector, Proceedings of the first national conference on agriculture and development, Publication of planning and agricultural economics research institute, ۲: ۱۲۲-۱۳۸(in Persian).
- ۱۲- Noferesti, M. (۱۹۹۹). Unit roots & co-integration on econometrics, ۱, Tehran, Rasa publication institute, (in Persian).
- ۱۳- Pazhouyan, J, Khodadad kashi, F & Mousavi jahromi, Y. (۲۰۰۴). General economics, Payam noor university, Sixth edition (in Persian).
- ۱۴- Pirayeh, M. (۲۰۰۴). Effects of globalization on the demand for sugar imports to Iran, Research quarterly economic policies, ۳۲:۴۷-۷۴(in Persian).
- ۱۵- Sadeghi, M & Shavvalpour, S. (۲۰۱۰). Applied econometric time series, ۲, Tehran, Emam Sadegh university (in Persian).
- ۱۶- Salami, H. (۲۰۰۰). Policies of trade liberalization in Iran agricultural products, A general equilibrium analysis, Proceedings of the third international conference of agricultural economics, Institute of planning research and Iran agricultural economics(in Persian).
- ۱۷- Schulze, G & Ursprung, H.W. (۱۹۹۹). Globalization of economy and the nation state the world economy, ۲۲:۳.
- ۱۸- Sevilla, C. (۲۰۰۷). Why liberalize trade? journal USA January, at: <http://usinfo.State.Gov/Journals/itee/۰۱۰۷/ijee/sevilla.htm>.
- ۱۹- Siggel. (۲۰۰۷). International competitiveness and comparative advantage: A survey and a proposal for measurement, Department of economics and Concordia university, Montreal, ۱۴۵۵ de maisonneuve Blvd, Montreal, quebec, Canada, H۳G ۱M۸.
- ۲۰- Steger, D. (۲۰۰۷). The Culture of the W.T.O: why is need to change, Journal of international economic law, ۱۰. ۳.
- ۲۱- Tashkini, A. (۲۰۰۵). Applied econometrics with Microfit, ۱, Tehran, Dibagaran artistic and cultural institute (in Persian).
- ۲۲- Tayyebnia, A & Zandieh, R. (۲۰۰۹). The effects of globalization on inflation in Iran, Journal of Iran economic research, ۳۸: ۵۳-۹۶(in Persian).
- ۲۳- Tayyebi, S & Mesrinejad, SH. (۱۹۹۷). Trade liberalization in the agricultural sector and the application of computable general equilibrium models(CGE), case study Iranian households, Journal of economic surveys, ۲۴: ۴-۵(in

Persian).

- ۲۴- Winters, L. A, Mcculloch, N & Mckay, A. (۲۰۰۴). Trade liberalization and poverty: The evidence so far, Journal of economic literature, ۷۲-۱۱۵.



شعبه پژوهش‌های علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی